مطالعات محیطی هفت حصار شماره نوزدهم/ سال ششم/ بهار ۱۳۹۶
صفحات ۹۶-۸۷

بازآفرینی فرهنگی اجتماعی فضاهای شهری با هدف ارتقاء هویت محله‌ای (مطالعه موردی: محله سنگ شیر همدان)

زهرا نادریان*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۹/۱۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۱/۲۲

چکیده

عدم توجه به ویژگی‌های خاص مکانی و فرهنگی و ارزش‌های بومی و محلی در فرآیندهای توسعه شهری منجر به یکنواختی سیما و ظاهر شهرها شده است و محلات شهری به‌عنوان مکان تبلور فرهنگ جایگاه و هویت خود را ازدست‌داده و همچنین جذابیت‌های ناشی از تمایزات مکانی و فرهنگی در این راستا کم‌رنگ شده است. در این راستا لزوم بازنگری در اقدامات مربوط به بازآفرینی در بافت‌های تاریخی به‌منظور استفاده از امکانات و پتانسیل‌ها و ارتقاء حس تعلق و درنتیجه هویت‌مندی محلات احساس می‌گردد. نقش محلات تاریخی در شهرهای گذشته به‌عنوان مکان تبلور فرهنگ جاری در فضا بسیار پررنگ و حائز اهمیت است.

این پژوهش به‌عنوان یکی از نخستین پژوهش‌ها در حوزه بازآفرینی فرهنگی در راستای ارتقاء هویت محله‌ای، به دنبال تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقاء هویت محله‌ای بر مبنای شاخص‌های بازآفرینی فرهنگی است. همچنین، مبتنی بر روش مورد پژوهی، محدوده محله سنگ شیر همدان به دلیل دارا بودن هویت تاریخی غنی که امروزه در حال از دست دادن هویت محله‌ای خود است، به‌عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب گردیده است تا درک واقع‌بینانه‌ای از عوامل مؤثر بر ارتقاء بازآفرینی فرهنگی فراهم آید. بر اساس بازدید میدانی، گفتگوهای اولیه و مدل مفهومی پرسش‌نامه‌های هدفمندی تهیه گردیده است. جهت یافتن روابط متغیرها، برای تجزیه‌وتحلیل اطلاعات پرسشنامه‌ها، از تکنیک آماری SPSS استفاده‌شده است.

این پژوهش سعی دارد با مطالعه و شناخت جنبه‌های مثبت و موفق در حوزه بازآفرینی فرهنگی، راهکارهای این رویکرد را شناسایی کرده و کیفیت‌های محیطی و جنبه‌های فرهنگی –اجتماعی محلات شهری را در راستای ارتقاء هویت محله‌ای بررسی نماید. در پایان با تأکید بر این معیارها، محله سنگ شهر همدان که محله‌ای تاریخی و واجد هویت غنی می‌باشد، بررسی و تحلیل‌شده است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد با توجه به چهار معیار اصلی بازآفرینی فرهنگی و شش معیار اصلی هویت محله‌ای و ارتباط قوی بین این معیارها با یکدیگر می‌تواند به ارتقاء هویت محله‌ای محلات تاریخی کمک نموده و از این طریق حس تعلق شهروندان را موجب گردد.

واژگان کلیدی

بازآفرینی فرهنگی، فرهنگ، هویت محله‌ای، سنگ شیر همدان.

* دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان naderian.zahra@yahoo.com

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1225602.1396.5.19.9.9]

مقدمه

بازآفرینی شهری، رویکردی برای توسعه درونـزای شـهری اسـت و در حقیقـت بـه‌کـارگیری تـوان‌هـای بـالقوه و بالفعـل موجـود در برنامه‌ریزی‌های شهری، تلاش در جهت ایجاد تعادل در نحوه توزیع کیفی و کمی جمعیت، هماهنگی میان بنیان‌های زندگی اجتماعی و گریز از فقر شهری و درنهایت استفاده از مشارکت و پویش اجتماعی مردم است (آیینی، ۱۳۸۸). حضور فرهنگ به‌عنـوان عـاملی کـه از یک‌سو ریشه در تاریخ دارد و از سوی دیگر با آرزوها، خواسته‌ها و باورهای انسان‌ها درهم‌آمیخته و نوعی ویژگی منحصربه‌فـرد را بـرای هر اجتماع انسانی شکل می‌دهد، بعُدی ازلی دارد (مامفورد، ۱۳۸۵). فرهنگ و بازنمودهای فرهنگی، همواره به‌عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از مناسبات شهر محسوب شده و هر شهری (و دیاری) بافرهنگ و بارزه‌های فرهنگی مختص به خود، شناخته می‌شده است. آسیب‌شناسی بافت قدیمی شهرها نشان می‌دهد که دلیل فرسودگی تنها به ساختار کالبدیان ها محدود نمی‌شود. بلکه مسئله ارتقاء اصلی این است که این‌گونه بافت‌ها در حال از دست دادن هویت اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی خود مستند که سبب از بین رفتن حیات مدنی و حضور مردم در این‌گونه بافت‌ها شده است؛ بنابراین ضروری است که در هرگونه اقدام مرمتی به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و هویتی بافـت‌هـای کهن شهری اندیشید و ارتباطی مناسب بین این ابعاد و ابعاد کالبدی فضایی شهر برقرار کرد تا بتوان به هدف غایی ارتقاء کیفیت زندگی شهری معاصر دست‌یافت تا فضای شهری مناسب برای تعاملات اجتماعی مردم تولید شود (حبیبی و برنجی،۱۳۹۳). در بازآفرینی فرهنگ، مبنای فعالیت‌ها و پروژه‌های توسعه فرهنگی سازگار با بافت تاریخی از یک‌سو و مرمت و حفاظت از میراث شهری از سوی دیگـر تـوأم مورد تأکید قرار می‌گیرند (اسمیت، ۲۰۰۷).

مسئله اساسی این تحقیق چگونگی استفاده از مؤلفه‌های فرهنگی اجتماعی در بازآفرینی و نوسازی محلات برای هویت بخشی و ارتقاء سطح هویتی محلات و به‌طور خاص محله سنگ شیر همدان است. با رجوع به محلات تاریخی و با توجه به مطالعـات معـدود بررسـی بازآفرینی فرهنگی در راستای ارتقاء هویت محله‌ای در محلات تاریخی شهرهای ایران، این پژوهش بـه دنبـال دریافـت نقـش عوامـل فرهنگی بر ارتقاء هویت محله‌ای مبتنی بر یک نگاه جامع بوده به‌گونه‌ای که فرد و فضا را در تعامل معیارهای کالبدی و ذهنـی تحلیـل می‌کند. فراهم آوردن این نگاه جامع به عوامل مؤثر بر هویت محله‌ای ضـمن معرفـی عمیـق بـازآفرینی فرهنگـی در شـهرهای ایـران می‌تواند زمینه مناسبی جهت تدوین سیاست‌ها و راهکارهای ساماندهی و ارتقاء کیفیت محلات شهری باشد.

رویکردهای نظری و مرور ادبیات پژوهش

بازآفرینی: بازآفرینی یا معاصر سازی در طی روند مربوط به از نو فعال شدن صورت می‌پذیرد. در این اقدام، محیط فیزیکی و سـاختار اجتماعی اقتصادی فضاهای شهری، از طریق توانمندسازی محیطی احیا می‌شوند. بازآفرینی خلق فضاهای جدید با حفـظ ویژگـی‌هـای اصلی فضایی قدیم (کالبدی و فعالیتی) است و هدف، حفظ ویژگی‌های ارزشی بافت قدیمی، خلق ویژگی‌های جدید و متناسب با نیاز روز و تعریف مجدد ارزش‌های گذشته برای پاسخ‌گویی به نیازهای معاصر هست (حناچی،۱۳۸۶: ۱۵). بازآفرینی محیط‌های شـهری از رکـود اقتصادی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی که در اثر زوال و تخریـب کالبـد فیزیکـی بـه وجـود مـی‌آیـد، جلـوگیری مـی‌کنـد (رابـرت[1] و اسکایی[2]،۲۰۰۰: ۱۴۰) به‌صورت کلی، بازآفرینی، نگرشی هماهنگ و گسترده و اقدامی است که به حل مسائل و مشکلات شـهری منجـر می‌شود و در پی ایجاد وضعیتی پایدار در اقتصاد، کالبـد، اجتمـاع و محـیط اسـت. کلیـه تـدابیر در وهلـه اول ازنظـر سـبک معمـاری و شهرسازی، ارزیابی و سپس به‌صورت هم‌زمان در تطابق با مؤلفه‌های فیزیکی، اجتمـاعی و اقتصـادی و ویژگـی‌هـای محیطـی بررسـی می‌شوند. دراین‌باره، پژوهشگران پنج هدف کلان را برای بازآفرینی محیط‌های شهری در نظر گرفته‌اند که عبارت‌اند از:

- ارتباط میان شرایط فیزیکی محیط شهری و محرومیت اجتماعی؛
- نیاز به توجه؛
- به مسکن و سلامت در محیط‌های شهری؛
- جذابیت ارتباط بهبود وضعیت اجتماعی با پیشرفت اقتصادی؛
- جلوگیری از رشد بی‌رویه شهر؛ تغییر نقش و ماهیت خط‌مشی در پیش‌گرفته شده.

1 Robert
2 Sykes

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1396.5.19.9.9]

در سال‌های اخیر سیاست‌های بازآفرینی فرهنگی و کیفی به‌عنوان ابزار معاصر سازی و رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک در سرانه‌های تاریخی ارزیابی شده است. هدف اصلی درروند بازآفرینی، افزایش کیفیت زندگی اجتماع محلی و تضمین مشارکتان تا در این روند است (آیزاک[1]، ۲۰۰۹: ۵). بازآفرینی کیفیت‌مدار، باید متغیرها و نمایانگرهای محیطی را هدف قرارداد و آنچه را که آفریده‌شده بود، بازآفرینی نمود. هسته مرکزی شهر، فضاها و مکان‌های همگانی و بیرونی برجسته‌ای هستند که با معاصر سازی کیفیات محیطی، می‌توانند نماد سامان بخشی و سرزندگی تمامیت شهر باشند. بازآفرینی مرکز تاریخی شهر به‌مثابه خانه و مأمن میلیون‌ها نفر از مردم و بازدیدکنندگان مختلف، سبب تسهیل و بهبود تعاملات عالی انسانی می‌گردد؛ زیرا مراکز تاریخی شهرها با ایجاد مؤلفه‌های کالبدی و شرایط خاص برای فعالیت‌های سرگرمی و گردشگری می‌توانند اقتصاد محلی را ارتقاء دهند (پامیر، ۱۳۸۹: ۲)؛ بنابراین بازآفرینی مرکز شهر، تلاشی است در جهت آفرینش دوباره محیطی که نشان‌دهنده زندگی شهری نمونه بوده است.

فرهنگ و بازنمودهای فرهنگی، همواره به‌عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از مناسبات شهر محسوب شده، ولی آنجا که سخن از معرفی دوباره فرهنگ به‌عنوان عامل توسعه مطرح می‌شود، می‌باید به شرایط شهری دوران معاصر اشاره کرد (Beatriz 2004: 313). شرایطی که فرهنگ را به‌عنوان برابرنهاده بر جریان اقتصادمحور توسعه قرار می‌دهد. قرار دادن فرهنگ به‌عنوان بخشی از برنامه‌ریزی ایده ارتقاء تازه‌ای نیست برنامه‌ریزی به‌عنوان یک حرفه ارتقاء مدرن محصول رؤیابینی‌های اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ توسط افرادی از قبیل پاتریک گدس و لویس مامفورد است که بعدها در نظریات جین جیکوبز نیز این ایده‌ها به چشم می‌خورد .جیکوبز توجه خود را به اکولوژی انسانی پیچیده ارتقاء شهرها جلب کرد و خواستار رویکردهای برنامه‌ریزی و طراحی ارگانیک تر و برحسب مکان شد (Authenticity, 2008) ازاین‌رو فرهنگ و توجه به اکولوژی‌های فرهنگی در ادبیات شهرسازی به مقوله‌ای تبدیل شد که در بسیاری از موارد درون‌مایه ارتقاء تحقیقات و پژوهش‌های شهری را تشکیل می‌داد بسیاری از نهادها و مؤسسات به پژوهش‌هایی با محوریت فرهنگ پرداخته و به بیان تأثیرات آن بر فضاهای شهری اشاره نمودند (فاروقی، ۲۲:۱۳۹۱). تصویر ۱ ابعاد گوناگون فرهنگ در شهرسازی را بیان می‌کند.

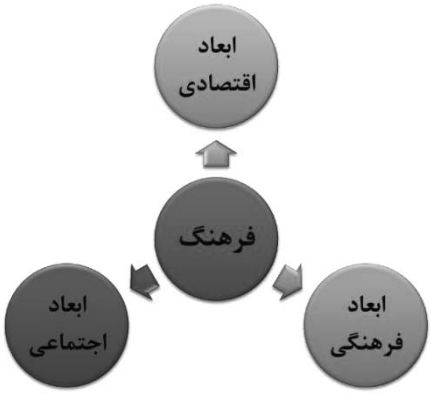
جدول ۱- نقش فرهنگ در ابعاد گوناگون بازآفرینی

بازآفرینی شهری فرهنگ- مبنا		
کالبدی	اقتصادی	اجتماعی
سیاست‌های اصلی		
توسعه پایدار	رشد و رقابت	شمول اجتماعی
نمونه اثرات		
– استفاده مجدد از ساختمان‌های خالی برای ایجاد موزه، گالری، استودیو و... – افزایش استفاده عمومی از فضا – کاهش وندالیسم و افزایش حس امنیت – امکانات فرهنگی و کارگاه‌ها در توسعه با کاربری مختلط – تراکم بالا، کاهش اثرات محیطی مثل ترافیک، آلودگی – به‌کارگیری گروه‌های هنرمند و طراح – ارتقاء کیفیت محیطی از طریق هنر عمومی – ملاحظات فرهنگی در برنامه‌های توسعه محلی – دسترسی (امنیت و سهولت حمل‌ونقل عمومی) – توجه به هویت تاریخی و ویژگی‌های محلی	– افزایش ارزش زمین و اجاره – مشارکت در بخش فرهنگی محلی – افزایش صرف هزینه‌های ساکنان و بازدیدکنندگان در بخش فعالیت‌های فرهنگی – تولید شغل و کارآفرینی – استقرار کارفرماها (تحصیل‌کرده) – تنوع نیروهای کار ازنظر مهارتی، طبقه اجتماعی، جنس و نژاد – محدوده‌ها و خوشه‌های خلاق، زنجیره‌های تولید و اقتصاد محلی – اقتصاد مختلط (مشارکت بخش خصوصی، عمومی و داوطلبانه) – سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی	– ایجاد تغییر مثبت در ادراک ساکنان از محل – از بین بردن جرم و رفتارهای ضداجتماعی از طریق فعالیت‌های فرهنگی – امکان بروز عقاید و نیازهای فردی و جمعی – افزایش فعالیت‌های داوطلبانه درسته محلی – تغییر سیما و هویت یک مکان – افزایش مشارکت بخش‌های مختلف – افزایش فرصت‌های آموزشی – ستایش ارزش‌ها و فرصت‌های شرکت در پروژه‌های هنری

(Evans, 2005:971)

1 Aykac

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1225602.1396.5.19.9.9]



تصویر ۱- ابعاد متفاوت فرهنگ (فاروقی، ۱۳۹۱)

در رویکرد نوزایی و تجدید حیات شهری مقوله‌های فرهنگی و هنری، احیای اقتصادی و سرزندگی اجتماعی بیش‌ازپیش موردتوجه قرارگرفته و اصالت بخشی به محله‌های شهری به‌عنوان یک ابزار اساسی در کانون سیاست‌های عمومی برای تجدید حیات اقتصادی و کالبدی محله‌ها و بافت‌های روبه‌زوال شهری قرار گرفت (فرهادی و میلادی ۲۴:۱۳۹۰). برداشتی که از مفهوم «فرهنگ» و واردکردن آن در جریان توسعه‌های شهری وجود داشته، طی چند دهه با نوعی دگرگونی و استحاله همراه بوده است (Kong, 2000:386). جدول ۱ نشانگر دگرگونی نقش فرهنگ در فرآیند توسعه شهری است.

جدول ۱- جمع بست نظری روایت‌های بازآفرینی فرهنگ-مبنا

بازه تاریخی	روایت بازآفرینی	شیوه کاربست فرهنگ	حوزه کاربست فرهنگ	معیار اقدام کالبدی
۱۹۵۰-۱۹۷۰	بازآفرینی و فرهنگ	صنعت فرهنگ	هسته فرهنگی	حفاظت تک بنا/ ابقاء
۱۹۷۰-۱۹۹۰	بازآفرینی فرهنگی	صنایع فرهنگی	استخوان‌بندی فرهنگی	حفاظت بافت/ ارتقاء
۱۹۹۰ تا امروز	بازآفرینی فرهنگ مبنا	صنایع خلاق	عرصه فرهنگی همگانی	توسعه عرصه همگانی/ حفاظت – احیاء

(لطفی، ۱۳۹۰)

هویت محله‌ای: ساروجانی در دائره‌المعارف علوم اجتماعی ذیل واژه هویت این‌چنین آورده است: کوشش فرد به‌منظور تحقق یکتایی خویشتن است (ساروخانی، به نقل از گافمن، ۱۳۷۰: ۴۲۳). مؤلفه‌های شخصیت یک شهر، همانند مؤلفه‌های شخصیتی انسان دارای دو بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی است که می‌تواند از طریق سه محیط طبیعی، مصنوع و انسانی از همدیگر تفکیک گردند. متغیرهای هر یک از این مؤلفه‌ها، چنان چه دارای صفات اختصاصی و برجسته باشند نقش شاخص و معرف هویتی را ایفا می‌کنند (بهزاد فر ۱۳۸۷: ۳۷-۳۸). تقویت هویت یک مکان به معنای تقویت مفاهیمی چون احساس تعلق و این‌همانی با محیط، خاطر انگیزی، حس مکان، احساس امنیت و خوانایی است (میر مقتدایی و طالب، ۱۳۸۵). هویت محله‌ای را احساس تعلق به یک محله مسکونی تعریف می‌کنند (فاث، ۲۰۰۴: ۹-۸). قاسمی شرایط هویتمندی یک محله را تعلق مکانی ساکنان، خاطره جمعی ذهن ساکنان و حس تعلق خاطره افراد به محله خود می‌داند (قاسمی،۱۳۸۳: ۶۹-۷۰). کوهی فرد مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده هویت محله‌های شهری را شاخص تعاملات انسانی، حافظه تاریخی، رفتارها و هنجارها، فرهنگ و هنر و سلیقه می‌داند (کوهی فرد، ۱۳۹۲). دولت‌آباد و دیگران نیز در پژوهشی که در سال ۱۳۹۲ انجام داده‌اند شاخص‌های هویت محله یا را شامل عناصر کالبدی یا سیمای محله و عناصر کارکردی با محتوای محله می‌دانند.

جدول ۳- شاخص‌های هویت محله‌ای

ابعاد هویت محله‌ای	شاخص
حس تعلق به مکان	– تشویق به سکونت درازمدت در محله – حفظ و تقویت پاتوق‌ها – دسترسی به تسهیلات و امکانات لازم محله – پاکیزگی و بهداشت محله
احساس امنیت	– بستر رفتارهای مجرمانه در محله – میزان نظارت ساکنین در عرصه‌های عمومی – افزایش شناخت متقابل ساکنان از یکدیگر

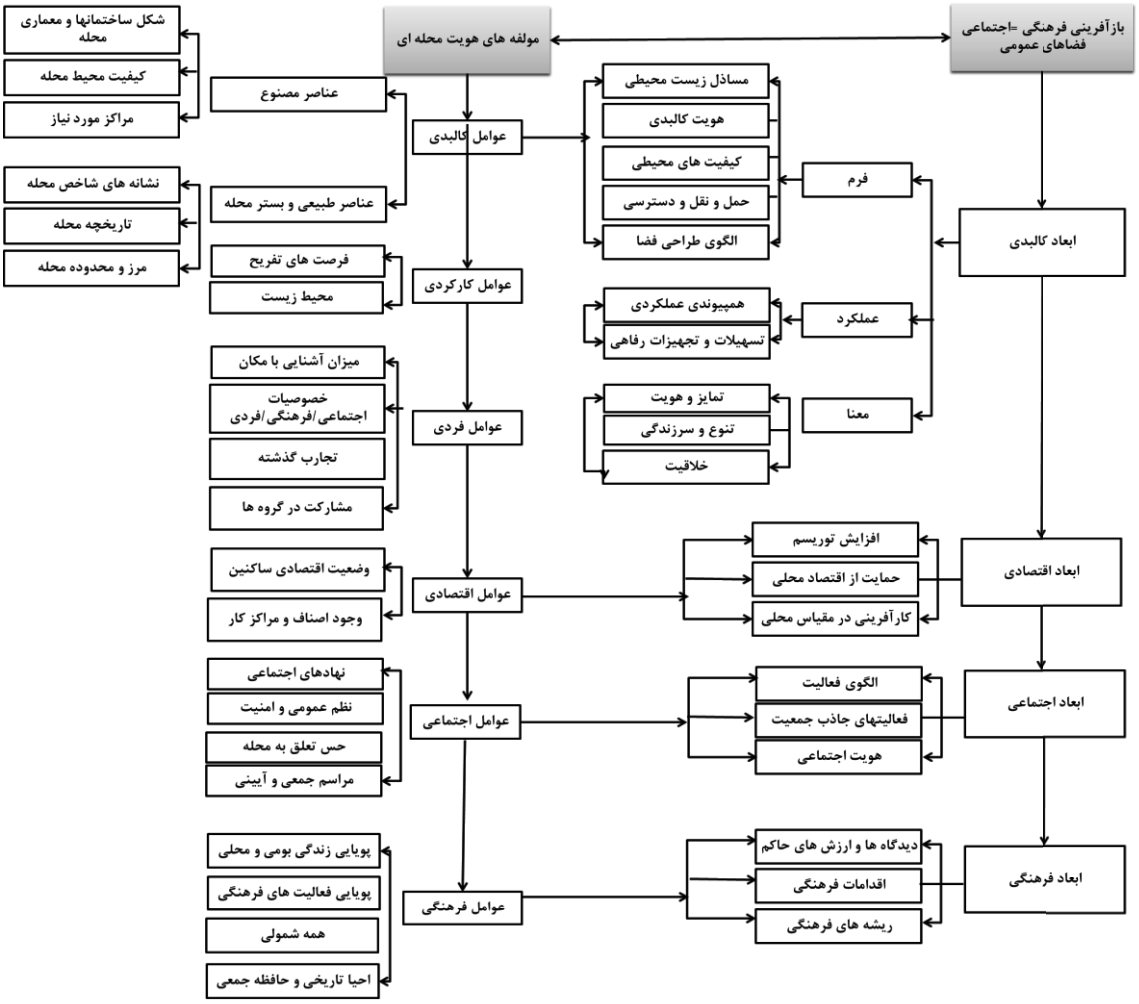
[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1396.5.19.9.9]

ابعاد هویت محله‌ای	شاخص
تعاملات اجتماعی	– افزایش شناخت متقابل ساکنان از یکدیگر – برقراری ارتباط ساکنین محله با فضاهای فرهنگی، مذهبی، تفریحی موجود در بافت – وجود اتصالات قوی درون محله

(وحیدا، نگینی، ۵۰:۱۳۹۱، قاسمی، ۱۳۸۳، بهزاد فر، ۱۳۸۶، دوران، ۱۳۸۲، رفیع زاده، ۱۳۸۰، پاکزاد، ۱۳۸۴، هودسنی،۱۳۴۴، معمار، ۱۳۸۷)

روش پژوهش

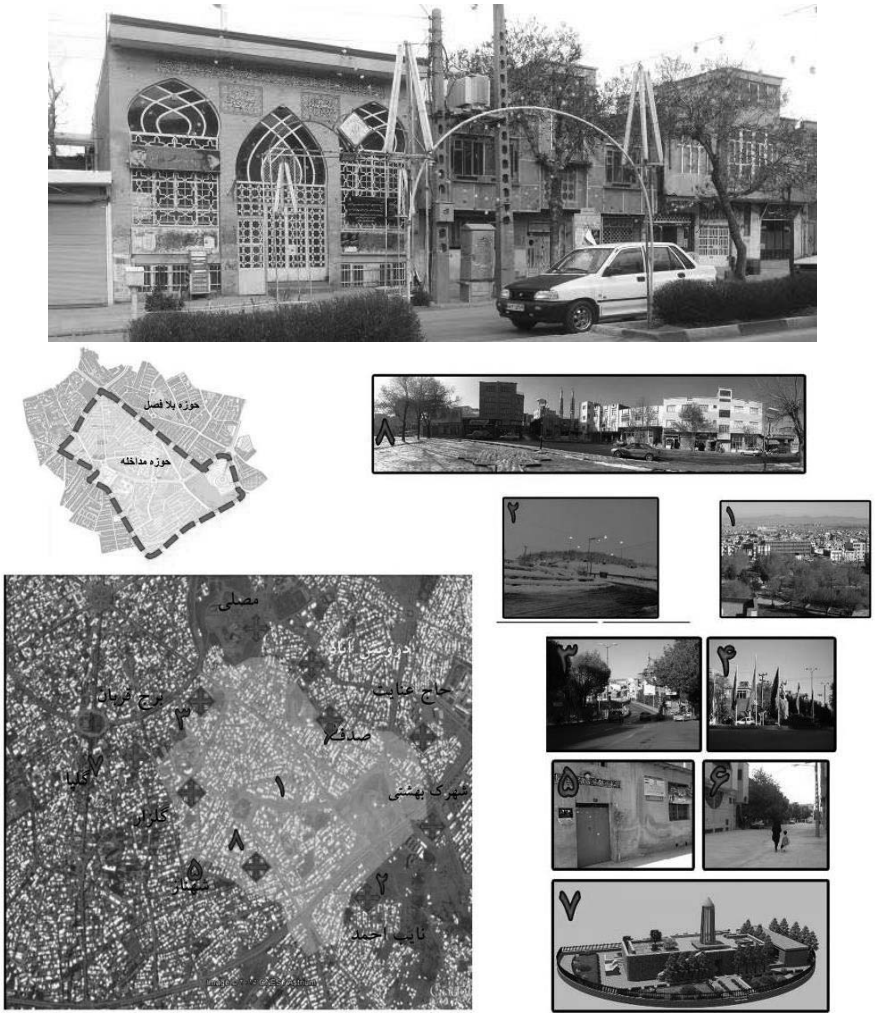
بر اساس نگاه جامع به ادبیات موضوع و تجارب جهانی مدل مفهومی زیر را می‌توان در تحلیل بازآفرینی فرهنگی و ارتقاء هویت محله‌ای ارائه داد. نکته مهم در تدوین مدل مفهومی نگاه جامع به متغیرهای اثرگذار بر بازآفرینی فرهنگی و هویت محله‌ای است. به‌گونه‌ای که در این پژوهش هر دو شاخص اصلی در راستای یکدیگر موردمطالعه قرارگرفته‌اند.



تصویر ۱– شاخص‌های تبیین‌کننده بازآفرینی فرهنگی در راستای ارتقاء هویت محله‌ای

جهت بررسی مفهوم بازآفرینی فرهنگی در راستای ارتقاء هویت محله‌ای در این پژوهش محدوده محله سنگ شیر شهر همدان به‌عنوان نمونه موردمطالعه انتخاب‌شده است. علت انتخاب این محدوده در بررسی مفهوم بازآفرینی فرهنگی و هویت محله‌ای بر این منطق استوار است که محلات تاریخی شهرها واجد هویت بالایی بوده‌اند که به علت شهرسازی معاصر به‌مرور ارزش و هویت محله کمرنگ شده است و حس تعلق ساکنان به محله کمرنگ شده است. بر این مبنا می‌توان گفت محلات تاریخی شهرها می‌توانند برمبنای شاخص‌های بازآفرینی فرهنگی هویت خود را بازیابند. جهت روایی مدل مفهومی پژوهش در نمونه موردمطالعه، بازدیدهای میدانی و گفتگوهای اولیه با شهروندان صورت گرفته است. نتایج بازدیدهای میدانی نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌ها و زیرشاخص‌های پژوهش قابلیت تحلیل در محدوده موردمطالعه را دارا می‌باشند.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1225602.1396.5.19.9.9]



تصویر ۳- محدوده موردمطالعه

جهت دستیابی به تحلیلی جامع از مؤلفه‌های و شاخصه‌های تدوین‌شده در مدل مفهومی از ترکیب روش‌های پژوهش پیمایشی و تحلیل محتوا استفاده‌شده است. در برداشت اطلاعات بر اساس پرسشنامه، بازدید میدانی و چک‌لیست ارزیابی استفاده‌شده است. ابعاد مختلف تحلیل در موارد زیر قابل‌بررسی است:

تحلیل معیارهای کالبدی: عده‌ای از نظریه‌پردازان با استفاده از روش‌هایی از قبیل مشاهده، مصاحبه با متخصصان، بازدید سایت و برداشت میدانی، مصاحبه ساختارمند با سؤالات باز به استخراج الگوی مناسب برای عمومی مردم مهم پنداشتند (بتنلی و دیگران، ۱۳۸۹). عده‌ای از نظریه‌پردازان در ابتدا مسئله‌ای را برای تحلیل فضاهای شهری بیان داشتند و بعد از آن از طریق روش‌هایی مانند تحلیل گرافیکی از طریق عکس‌برداری، مشاهده و سایت آنالیز به اثبات و تفسیر که فرضیه موردنظر خود پرداختند و الگوهای رفتاری متفاوتی را که استفاده‌کنندگان از فضا در ساعات مختلف روز از خود بروز دادند بررسی کرده و برای سنجش معیارهای کالبدی هویتمندی محلات پیشنهاد می‌دهند (جیکوبز، ۱۳۸۸).

تحلیل معیارهای فرهنگی: یان گل در کتاب فضاهای عمومی وزندگی جمعی روش مشاهده، برداشت میدانی مستندسازی و تحلیل الگوی رفتاری را جهت سنجش معیارهای فرهنگی در فضاهای شهری و محلات پیشنهاد می‌دهد. یافته‌های وی نشانگر رسیدن به ویژگی‌های موفق هویت هر محله بر مبنای این روش است.

تحلیل داده‌ها برمبنای روشSPSS: جهت سنجش داده‌های جمع‌آوری‌شده از پرسشنامه‌ها از آزمون آماری رگرسیون جهت سنجش عوامل مؤثر بر بازآفرینی فرهنگی و هویت محله‌ای، آزمون همبستگی پیرسون جهت سنجش ارتباط بین مؤلفه‌های هویت

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1396.5.19.9.9]

محله‌ای و بازآفرینی فرهنگی و از آزمون فریدمن به‌منظور اولویت‌بندی هر شاخص و میانگین رتبه شاخص‌ها از دیدگاه شهروندان استفاده‌شده است.

بحث و تحلیل یافته‌های پژوهش

سنجش تأثیر مؤلفه‌های بازآفرینی فرهنگی در محله سنگ شیر همدان: یکی از جداولی خروجی آزمون رگرسیون چند متغیر، جدول ۴ است که این جدول به بررسی ضریب همبستگی بین متغیرها و ضریب تعیین تعدیل‌شده، می‌پردازد.

جدول ۲- Model Summary

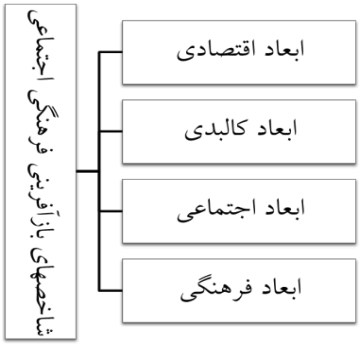
Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	۰.۶۴۰	۰.۴۰۹	۰.۳۹۷	۰.۹۴۲

نتایج حاصله از جدول بالا حاکی از این است که مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰.۶۴۰ است که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق همبستگی بسیار قوی وجود دارد و از سوی مقدار ضریب تعدیل‌شده (R Square) برابر است با ۰.۶۴۰ درصد که نشان‌دهنده این است که ۶۴/۲ درصد از کل تغییرات شاخص بازآفرینی فرهنگی به چهار متغیر کالبدی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ذکرشده در این معادله می‌باشد. جدول بعدی این آزمون مربوط به جدول ANOVA است که برازندگی مدل را موردبررسی قرار می‌دهد. با توجه به معنی‌داری مقدار آزمون F در سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۰۲ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از ۴ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند میزان بازآفرینی فرهنگی اجتماعی در فضای عمومی را تبیین کنند. خروجی بعدی، جدول coefficients است که این جدول میزان تأثیر هر متغیر در مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۵- Coiefficients

Coiefficients [a]					
مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استانداردشده	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
constant	۰.۷۹۱	۰.۲۶۲		۳.۰۲۴	۰.۰۰۰
ابعاد کالبدی	۰.۰۵۱	۰.۰۶۱	۰.۰۴۷	۰.۸۲۷	۰.۰۰۴
ابعاد اقتصادی	۰.۴۸۳	۰.۰۵۸	۰.۴۹۶	۸.۳۰۵	۰.۰۴
ابعاد اجتماعی	۰.۰۹۹	۰.۰۶۳	۰.۰۹۱	۱.۵۷۶	۰.۰۱
ابعاد فرهنگی	۰.۲۲۶	۰.۰۶۲	۰.۲۲۵	۳.۶۴۴	۰.۰۰۰

متغیر وابسته: میزان وجود شاخص‌های بازآفرینی فرهنگی در محله در جدول بالا درصورتی‌که سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ باشد ($p<0.05$)، نشانگر وجود رابطه بین متغیرهاست. عدد beta نیز نوع و شدت رابطه را مشخص می‌کند یافته‌های جدول بالا حاکی از این است که براساس ستون sig تمامی متغیرهای ستون مدل، دارای ارتباط معنادار با شاخص بازآفرینی فرهنگی-اجتماعی فضاهای عمومی می‌باشند، عدد بتا نیز نوع و شدت این رابطه را نشان می‌دهد (منفی رابطه معکوس، مثبت رابطه مستقیم)؛ بنابراین نیاز به ارتقاء کیفیت هر چهار عامل در محله از دیدگاه شهروندان احساس می‌شود.



تصویر ۴- تأثیر ویژگی شاخص‌های بازآفرینی فرهنگی-اجتماعی در فضاهای عمومی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1225602.1396.5.19.9.9]

بررسی شاخص‌های هویت محله‌ای در محله سنگ شیر

برمبنای جدول Model Summary که مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰.۶۴۴ می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق همبستگی بسیار قوی وجود دارد و از سوی مقدار ضریب تعدیل‌شده (R Square) برابر است با ۰.۴۱۴ درصد که نشان‌دهنده این می‌باشد که ۴۱/۴ درصد از کل تغییرات شاخص هویت محله‌ای به شش متغیر کالبدی، کارکردی، فردی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ذکرشده در این معادله است. خروجی بعدی، جدول coiefficients است که این جدول میزان تأثیر هر متغیر در مدل را نشان می‌دهد. یافته‌های جدول حاکی از این است که بر اساس ستون sig تمامی متغیرهای ستون مدل، دارای ارتباط معنادار با شاخص هویت محله‌ای می‌باشند، عدد بتا نیز نوع و شدت این رابطه را نشان می‌دهد (منفی رابطه معکوس، مثبت رابطه مستقیم.)



نمودار ۲- شاخص‌های هویت محله‌ای در محله سنگ شیر

بررسی رابطه بین مؤلفه‌های بازآفرینی فرهنگی و مؤلفه‌های هویت محله‌ای در محله سنگ شیر همدان: به‌منظور سنجش رابطه بین مؤلفه‌های کیفیت سازنده بازآفرینی فرهنگی و هویت محله‌ای از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. ضریب همبستگی (Correlation Coefficient) ابزاری آماری برای تعیین نوع و درجه رابطه‌ی یک متغیر کمی با متغیر کمی دیگر است. ضریب همبستگی شدت رابطه و همچنین نوع رابطه (مستقیم یا معکوس) را نشان می‌دهد. این ضریب عددی بین ۱ تا ۱- است و در عدم وجود رابطه بین دو متغیر، برابر صفر است.

جدول ۳- ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین شاخص‌های بازآفرینی فرهنگی و هویت محله‌ای در محله سنگ شیر همدان

شاخص‌های بازآفرینی فرهنگی در راستای ارتقاء هویت محله‌ای	شاخص کالبدی	شاخص کارکردی	شاخص فردی	شاخص اقتصادی	شاخص اجتماعی	شاخص فرهنگی
شاخص کالبدی	۱	۰/۶۱۵*	۰.۲۲۲*	۰/۴۵۸**	۰/۳۱۳*	۰/۳۱۹**
شاخص اقتصادی	۰/۴۵۸**	۰/۲۵۳*	۰/۳۳۸**	۱	۰/۴۶۷**	۰/۳۱۵*
شاخص اجتماعی	۰/۳۱۳*	۰/۵۱۱**	۰/۷۳۸**	۰/۳۳۸**	۱	۰/۴۱۵*
شاخص فرهنگی	۰/۳۱۹**	۰/۵۰۶**	۰/۴۷۴**	۰/۳۱۵*	۰/۴۱۵*	۱

*p<0.05 و **p<0.01

با توجه به جدول ۸ مشاهده می‌شود که بین مؤلفه‌های بازآفرینی فرهنگی و هویت محله‌ای رابطه ارتقاء بالا برقرار می‌باشد، ازاین‌رو جهت ارتقاء هویت محله‌ای با تغییر هریک از این شاخص‌ها می‌توان به بازآفرینی فرهنگی-اجتماعی در محله دست‌یافت.

اولویت‌بندی شاخص‌های بازآفرینی فرهنگی در راستای ارتقاء هویت محله‌ای بر مبنای آزمون فریدمن: به‌منظور سنجش آرای افراد و رتبه‌بندی میزان هریک از شاخص‌های هویت محله‌ای و بازآفرینی فرهنگی اجتماعی، از آزمون فریدمن- واریانس دوطرفه (برای داده‌های ناپارامتری) استفاده‌شده است. این آزمون زمانی به کار می‌رود که مقیاس اندازه‌گیری حداقل در سطح سنجش ترتیبی باشد. آزمون فریدمن برای از طریق رتبه‌بندی و همچنین مقایسه میانگین رتبه‌بندی گروه‌های مختلف به کار می‌رود (حبیب پور، صفری،۱۳۹۱:۶۹۴). نتایج نشان‌دهنده اختلاف معنادار بین مؤلفه‌ها می‌باشد. نتایج جدول نشانگر اولویت مؤلفه کیفیت محیطی، هویت اجتماعی و عناصر مصنوع در محله است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1396.5.19.9.9]

جدول ۴- میانگین رتبه شاخص‌های موردبررسی

شاخص بازآفرینی فرهنگی-اجتماعی فضاهای عمومی	۸۹.۵۹۲	شاخص‌های هویت محله‌ای	۵۵.۹۵۹
	۰.۰۰۰		۰.۰۰۰
مسائل زیست‌محیطی	۱۴.۱۸	عناصر مصنوع	۱۶.۹۵
هویت کالبدی	۱۶.۱۳	عناصر طبیعی و بستر محله	۱۱.۲۸
کیفیت محیطی	۱۷.۰۸	فرصت‌های تفریح	۱۴.۴۰
حمل‌ونقل و دسترسی	۱۶.۶۰	محیط‌زیست	۱۵.۶۰
الگوی طراحی فضا	۱۱.۹۳	میزان آشنایی با مکان	۱۱.۴۵
هم پیوندی عملکردی	۱۴.۸۸	خصوصیات اجتماعی فرد	۱۰.۴۵
تسهیلات و تجهیزات رفاهی	۱۶.۱۰	خصوصیت فرهنگی فرد	۱۲.۶۸
تمایز و هویت	۱۴.۶۰	خصوصیات فردی	۱۱.۸۵
تنوع و سرزندگی	۹.۰۳	تجارب گذشته	۸.۸۰
خلاقیت	۱۰.۲۸	مشارکت در گروه‌ها	۱۳.۰۵
افزایش توریسم	۱۱.۵۵	وضعیت اقتصادی ساکنین	۹.۲۸
حمایت از اقتصاد محلی	۱۳.۲۸	وجود اصناف و مراکز کار	۱۱.۷۵
کارآفرینی در مقیاس محلی	۱۲.۴۸	نهادهای اجتماعی	۱۳.۲۰
الگوی فعالیت	۱۲.۸۰	نظم عمومی و امنیت	۱۱.۸۸
فعالیت‌های جاذب جمعیت	۱۱.۲۵	حس تعلق به محله	۱۳.۹۸
هویت اجتماعی	۱۶.۸۰	مراسم جمعی و آیینی	۱۰.۸۸
دیدگاه‌ها و ارزش‌های حاکم	۷.۱۸	پویایی زندگی بومی و محلی	۱۱.۵۵
اقدامات فرهنگی	۱۲.۲۸	پویایی فعالیت‌های فرهنگی	۱۴.۲۳
ریشه‌های فرهنگی	۸.۱۰	همه‌شمولی	۱۰.۳۰
	۱۱.۲۰	احیا تاریخی و حافظه جمعی	۱۳.۰۵

نتیجه‌گیری

مجموع بررسی‌ها در این پژوهش حکایت از تلفیق عوامل بازآفرینی فرهنگی در اثرگذاری بر هویت محله‌ای محلات تاریخی است. همچنین این اثرگذاری در بستر عمومی شهر متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و هویت اجتماعی و کیفیت محیطی صورت می‌پذیرد. مبتنی بر دستاوردهای این پژوهش نحوه اثرگذاری هرکدام از این عوامل و میزان اثرگذاری می‌تواند متفاوت باشد. تطبیق مدل مفهومی مستخرج از ادبیات و تجارب جهانی در ترکیب با ماهیت محلات تاریخی موردمطالعه در شهر همدان و استفاده تجربی از این مدل گویای کارایی مدل در ارزیابی نقش شاخص‌های بازآفرینی فرهنگی در ارتقاء هویت محلات تاریخی است. مبتنی بر روش‌شناسی این پژوهش تحلیل‌های جانبی می‌تواند به تقویت و استحکام نتایج مدل کمک کند. باید خاطرنشان کرد متناسب با ماهیت و شکل محلات شهری این مدل ممکن است تغییرات جزئی پیدا کند. نتایج حاصل از تحلیل‌ها نمایانگر آن است که اساساً ارتقاء کیفیت محیطی و ارتقاء هویت اجتماعی این محدوده عامل اولیه و پایه در ارتقاء بازآفرینی فرهنگی برمبنای هویت محله‌ای است. نتایج تحلیل مدل نشان می‌دهد:

- شاخص کالبدی می‌تواند نقش عمده‌ای در ارتقاء بازآفرینی فرهنگی –اجتماعی در محله ایفا کند. هویت کالبدی اولویت بالایی در ارتقاء هویت محله‌ای دارا است. این شاخص در دو بعد طبیعی و مصنوع تحلیل می‌شود.
- پتانسیل‌های فضای مصنوع و محیط‌زیست در محله وجود دارد اما نیازمند ارتقاء وضعیت و برنامه‌ریزی جهت رویداد پذیری است تا بتوان از طریق فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و جشن‌ها همبستگی مردم را در این محله ارتقاء داد و از این طریق هویت محله‌ای در محله را با پتانسیل‌های موجود افزایش داد.
- تحلیل دسترسی‌ها نشان می‌دهد که وضعیت ترافیکی مسیر نیازمند ارتقاء است و مسیرها صرفاً با توجه به اولویت سواره طراحی‌شده است که نیازمند طراحی معابر پیاده و دوچرخه جهت ارتقاء هویت محله‌ای دیده می‌شود.
- شاخص فرهنگی در سه بعد ارزش‌های حاکم، اقدامات و ریشه‌های فرهنگی تحلیل‌شده است که نشان از اهمیت این ابعاد در بازآفرینی محله دارد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1225602.1396.5.19.9.9]

- شاخص اقتصادی یکی از معیارهای اصلی بازآفرینی فرهنگی در محله است، این معیار کـه بـالاترین بتـا (۰.۴۹۴) را در بـین سـایر شاخص‌های اقتصادی به خود اختصاص داده است، نیازمند افزایش فعالیت‌های توریسمی و کارآفرینی در محله است که در طراحـی مدنظر قرار می‌گیرد و مسیرها و مکان‌هایی جهت ارتقاء این شاخص در محله در نظر گرفته شود.
- عوامل فردی نیز در ابعاد مختلف از مردم پرسش شده است تا میزان ادراک ذهنی مردم از هویت محله و نقش شاخص‌هـای فـردی در هویت محله موردبررسی قرار گیرد.
- شاخص کارکردی در دو بعد عوامل تفریح و محیطزیست بررسی‌شده است که نشانگر کم بودن ایـن شـاخص‌هـا در محلـه و لـزوم طراحی فضاهای برای تفریح گروه‌های سنی مختلف دیده می‌شود.
- میزان عوامل اجتماعی در قالب برداشت‌های میدانی، سؤالات پرسشنامه و مصاحبه با مردم بررسی‌شده است که نشان از بـالا بـودن حس تعلق به محله دارد. امنیت نیز در سطح مناسبی است، نهادهای اجتماعی و پاتوق‌هایی بین گروه‌های سنی مختلـف وجـود دارد اما نیازمند ارتقاء عوامل اجتماعی و پاتوق‌های جمعی در اینجا دیده می‌شود.
- شاخص اجتماعی در سه بعد الگوی فعالیت، فعالیت‌های جاذب و هویت اجتماعی از مردم پرسش شده است که هر سه دارای ارتباط معنادار با شاخص بازآفرینی فرهنگی اجتماعی محله هستند.
- طبق برداشت‌های میدانی و پرسشنامه‌های بررسی‌شده عوامل فرهنگی و زمینه‌ها در محدوده وجود دارد؛ اما زمینه حضورپذیری افراد و کیفیت این فضاها نامناسب است که نیاز است تا با ارتقاء وضعیت این‌گونه اماکن بتوان شاخص فرهنگی و رویداد پذیری را ارتقاء داد.

نتایج فراهم‌شده ضمن ارائه چگونگی اثرگذاری عوامل مختلف بر بازآفرینی فرهنگی در راستای ارتقاء هویت محله‌ای زمینـه لازم بـرای مدیریت ارتقاء کیفیت محلات تاریخی بر مبنای هویت محله‌ای را فراهم می‌آورد. به نظـر مـی‌رسـد نتـایج حاصـل از فرآینـد سـنجش بازآفرینی فرهنگی و هویت محله‌ای در این پژوهش از یک‌سو چارچوب لازم جهت بررسی علمی و منطقی هویت محلـه‌ای موجـود در محلات تاریخی را فراهم آورده و از سوی دیگر زمینه اقدامات آینده در راستای بازآفرینی فرهنگی محلات را فراهم آورد. بـدیهی اسـت در ارتباط با دیگر محلات تاریخی شهرهای امروزی ایران، انجام فرایند بازآفرینی فرهنگی می‌توانـد سـبب ارتقـاء هویـت محلـه‌ای در زندگی شهری و به دنبال آن ارتقاء کیفیت شهری و هویت در سطح کشور را فراهم آورد.

منابع

- بهزادفر، م. (۱۳۸۶). هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران. تهران: نشر شهر.
- پامیر، س. (۱۳۸۹). آفرینش مرکز شهری سرزنده. ترجمه: مصطفی بهزادفر. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- دوران، ب.، و محسنی، م. (۱۳۸۲) هویت، رویکردها و نظریه‌ها. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ویژه‌نامه هویت دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۱۱-۸۱.
- رفیع زاده، ن. (۱۳۸۳). بررسی میزان تعلق اجتماعی در گروه‌های سنی ساکن در محلات تهران. مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران، همایش توسعه پایدار شهری، ۱۵-۱.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). دائره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیوان.
- فاروقی، ف. (۱۳۹۱). تدوین معیارهای طراحی شهری با رویکرد بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ برای ارتقاء گردشگری فرهنگی در بافت قدیم، نمونه موردی: بخشی از بافت تاریخی سنندج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- قاسمی، و.، و نگینی، س. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۲، ۷، ۱۳۶-۱۱۳.
- کوهی فرد، ا. (۱۳۹۲). بررسی نظری مفهوم محله و تأثیر هویت بر شکل‌دهی آن در معماری. همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار. مشهد: موسسه آموزش عالی خاوران.
- لطفی، س. (۱۳۹۰). تبارشناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی. تهران: آذرخش.
- لطفی، س. (۱۳۹۰). بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تأملی بر بن‌مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی. نشریه هنرهای زیبا، ۴۵. ۴۹-۶۲.
- وحیدا، ف.، و نگینی، س. (۱۳۹۱). ساخت و اعتبار یابی مقیاس هویت محله‌ای. مطالعات شهری، ۲، ۲، ۵۸-۳۵.
- Authenticity. (2008). Creative city planning framework a supporting document to the agenda for prosperity: prospectus for a great city, prepared for the city of Toronto.
- Beatriz, G. (2004). Cultural Policy and Urban Regeneration in Western European Cities: Lessons from Experience, Prospects for the Future. Routledge, 19,.4, 312-326.
- Smith, M. (2003). Issues in Cultural Tourism Studies. London.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1396.5.19.9.9]